معیارهای اعتبارسنجی گزارش های عاشورایی در منابع رجالی

حمید شاهدادی، منصور داداش نژاد،
۱- داشنجو رشته تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ایران.
hamid2545h@gmail.com
۲- دانشیار، مرکز کامپیوتر نور قم، بخش تاریخ اسلام.mdadash@rihu.ac.ir

چکیده

در بسیاری موارد گزارش های تاریخی به گونه های متفاوت و گاهی متضاد نقل شده است؛ برای اعتبار سنجی گزارش های تاریخی، توجه به معیارها و ملاک های ارزیابی ضرورت دارد. بخش مهم و در واقع خلاصه گزارش ها در منابع رجالی منعکس شده است. رجال شناسان خصوصا در منابع رجالی معاصر، ذیل اصحاب امام حسین(ع) به بیان شماری از گزارش‌های عاشورایی پرداخته‌اند و در این زمینه تلاش کردند نام اصحاب را از منابع متعدد هرچند ضعیف استخراج کرده و در پرتو آن شماری از گزارش‌های مربوط به عاشورا را بیان کنند، اما علی رغم فلسفه اصلی تدوین علم رجال، شماری از این گزارش ها نیازمند بازنگری مجدد است. به همین جهت توجه به معیارها برای استنباط و استخراج گزارش های معتبر تاریخی بسیار حائز اهمیت است. از این رو تحقیق پیشرو به بررسی معیارهای اعتبارسنجی گزارش‌های تاریخی در منابع رجالی، با شیوه کتابخانه‌ای تدوین گشته و هدف این است با مطالعه روشمند برخی گزارش‌های عاشورایی در منابع رجالی بیان شده را بررسی کرده و در پرتو آن به استخراج ملاک‌ها و معیارهایی که برای اعتبارسنجی گزارش‌ها نیاز است پرداخته شود. در این تحقیق شش معیار مهم که برای تعیین گزارش های صحیح از سقیم قابل استفاده می باشد، بیان و بر اساس آن، به طور موردی و نمونه گزارش هایی از رجال شناسان مورد ارزیابی قرار گرفته است و درصدد پاسخ به این سوال است: معیارهای اعتبارسنجی گزارش‌های عاشورایی در منابع رجالی چیست و چه نقشی در ارزیابی گزارش ها دارد؟

کلیدواژه‌ها: معیارهای اعتبارسنجی، گزارش‌های عاشورایی، منابع رجالی

مقدمه

حادثه عاشورا نسبت به سایر حوادث تاریخ صدر اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از همین روی نه‌تنها مورخان، بلکه تراجم نویسان، سیره‌نویسان و رجال‌شناسان نیز هر کدام به بخش‌هایی از این واقعه اشاره کرده‌اند. تاریخ عاشورا همانند سایر حوادث تاریخی، آکنده از گزارش‌های صحیح و ضعیف است.

همچنین رجال‌شناسان متأخر و معاصر بیشتر از رجال‌شناسان متقدم به تجمیع نام اصحاب امام حسین و بیان برخی حوادث عاشورا روی آورده‌اند، ازاین‌رو منابع رجالی متأخر جامع‌تر از منابع متقدم است و منابع رجالی معاصر به‌مراتب فراگیرتر از منابع رجالی متأخر است. شایان‌ذکر است که این همت رجال‌شناسان برای جمع‌آوری گزارش‌های عاشورایی یک حسن به شمار می‌رود لیکن رسالت منابع رجالی شناخت اصحاب ائمه و راویان حدیث از جهت ثقه و غیر ثقه است و تجمیع گزارش‌ها و بیان حوادث تاریخی را نمی‌توان از رسالت‌های اصلی علم رجال دانست.

از سوی دیگر جرح‌وتعدیل هویت اشخاص و گزارش‌ها، از جمله اهداف اصلی برای تدوین علم رجال بوده است حال‌آنکه در شماری از منابع رجالی، به‌صورت خاص در منابع متأخر و معاصر همچون تنقیح المقال، معجم رجال الحدیث و مستدرکات علم رجال گزارش‌های در حوزه مطالعات عاشورا نقل شده که رجال‌شناسان بدون جرح‌وتعدیل از کنار آنها عبور کردند و صرفاً با نقل و انعکاس گزارش‌ها گویا بر آنها صحت گذاشته‌اند. از همین روی برای ارزیابی و اعتبارسنجی این گزارش‌ها در منابع رجالی، باید ملاک‌های در نظر گرفته شود که بر اساس آنها بتوان افزون بر صحت سنجی گزارش‌های عاشورایی، حتی بتوان دیدگاه رجال‌شناسان را نیز از حیث اعتبارسنجی ارزیابی کرد.

درمورد پیشینه تحقیق می‌توان به مقالهٔ تحت عنوان «گونه شناسی آسیب‌های اخبار عاشورا»که توسط سید رضا مؤدب و علی ملا کاظمی نوشته و در نشریه مطالعات قرآن و حدیث پاییز و زمستان ۱۳۹۲ - شماره ۱۳ منتشر شده است. در این مقاله به ارزیابی سندی و محتوایی به‌صورت کلی پرداخته شده است و به‌صورت تخصصی وارد بحث ملاک‌های اعتبارسنجی گزارش‌های عاشورایی در منابع رجالی نشده است.

همچنین در این رابطه رساله‌ای تحت عنوان «بررسی آسیب‌شناسی اخبار و روایات عاشورا (تا پایان قرن هفتم هجری)» توسط علی ملا کاظمی در سال ۱۳۹۳ در دانشگاه معارف اسلامی دفاع شد. تفاوت مقاله پیشروی با این رساله در آن است که در این رساله گزارش‌های به‌صورت خاص بررسی نشده است، از سوی دیگر تا قرن هفتم گزارش‌ها را بررسی کرده است.

رساله دیگر تحت عنوان «نقد و بررسی روایات عاشورایی مقاتل امام حسین»، نوشته محسن رفعت در سال ۱۳۹۴ در دانشگاه قم دفاع شد. این رساله نیز توجهی به گزارش‌های رجال‌شناسان و ارزیابی آنها ندارد و گزارش‌های عاشورایی در منابع تاریخی را مورد بررسی قرار داده است.

نوشته پیشرو دارای تفاوت‌های با نوشته یاد شده است. در تحقیق پیشرو شش ملاک و معیاری که برای سنجش گزارش‌ها می‌توان به آنها استناد کرد بیان شده است و باتوجه‌به بیان نمونه‌هایی از برخی منابع رجالی، به تحلیل و بررسی شماری از این گزارش‌ها پرداخته می‌شود. انجام این پژوهش ضرورت دارد، چراکه بر حسب آنچه بیان می‌شود شماری از رجال‌شناسان باتوجه‌به آنکه منبع یک گزارش را بی‌اعتبار می‌دانند، لیکن در بعض موارد سهو قلم‌های دیده می‌شود که با استناد به همان منبع بی‌اعتبار تسامحی در بعضی موارد درصدد استخراج شماری از اصحاب امام حسین برآمده‌اند. معیارهای اعتبارسنجی گزارش‌های عاشورایی در منابع رجالی چیست و چه نقشی در ارزیابی گزارش ها دارد؟ پاسخ به این سوال هدف اصلی از نگارش و بررسی مورد بخشی از گزارش های عاشورایی رجال شناسان است.

قلمرو تحقیق این مقاله شامل بررسی منابع رجالی متقدم(رجال شیخ طوسی)، منابع رجالی متاخر(نقد الرجال تفرشی) و منابع رجالی معاصر(معجم رجال الحدیث) می شود. به سخن دیگر، در این تحقیق تلاش شده موارد مورد مطالعه از هر سه دوره انتخاب شود تا هم میزان اعتبار منابع رجالی در آن دوره مشخص شود، هم به این نکته اشاره شود که در بستر تاریخی، کلمات و موارد مورد استفاده، معنای اصلی خود را در گذر زمان از دست نداده اند.

معیارهای مهم در اعتبارسنجی گزارش‌های عاشورایی

با مطالعه منابع رجالی بدست می آید که آنها در نقل اخبار و گزارش‌های عاشورایی همت ورزیده‌اند و گزارش‌های زیادی در کتب خود نقل کرده‌اند که در بین این گزارش‌های متعدد گاهی گزارش‌های متعارضی هم پیرامون عاشورا نقل گشته است، در ارزیابی و اعتبارسنجی این گزارش‌ها، توجه به ملاک‌های اعتبارسنجی ضروری است که در ادامه این نگارش برخی از آن ملاک‌های مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱- شناخت مبانی

از ملاک‌های اعتبارسنجی گزارش‌های تاریخی و عاشورایی، شناخت و استخراج مبانی مورخان و رجال‌شناسان است. هر نویسنده ای برای تالیفات خود دارای مبانی خاص در انتخاب گزارش های مورد انتخاب خود دارد. رجال شناسان نیز از این قاعده کلی مستثنا نبود و با شناخت آن مبانی بدون شک بعد از آنکه مبانی رجال‌شناس مشخص گشت، در اعتبارسنجی و جرح‌وتعدیل و در نهایت تحلیل و بررسی می‌توان برخی گزارش‌های عاشورایی و برداشت‌های رجال‌شناسان را مورد اعتبارسنجی قرار داد. در این رابطه جهت تبیین این مدعا لازم و ضروری گزارشی مورد بررسی قرار گیرد.

آیت الله خویی ذیل نام حبیب بن مظاهر بیان کردند: «وی از اصحاب امام و شهدای کربلا است. کشی داستانی از ملاقات میثم تمار با حبیب بن مظاهر را نقل کرده است. حبیب روز عاشورا به یزید بن حصین حمدانی که سید قراء نامیده می‌شد شوخی کرد که یزید او را به‌خاطر شوخی در آن وضعیت مؤاخذه کرد.

کشی این مطلب را از کتاب مفاخره البصره و الکوفه نقل کرده است. لیکن باید توجه داشت، این روایت ضعیف است»، در دو زیارت ناحیه و زیارت رجبیه به او سلام داده شده است (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج۵، ص۲۰۲ و ۲۰۳).

بخشی از این گزارش‌ها صحیح است و همان‌گونه که آیت الله خویی بیان کردند: گزارش کشی مبنی بر شوخی حبیب با یزید بن حصین ضعیف است. از سوی دیگر مورخان بزرگ این داستان را برای برید و عبدالرحمن بن عبد ربه نقل کرده‌اند و گزارش قابل اتکایی برای حبیب بن مظاهر و یزید بن حصین بیان نشده است (أبومخنف، ۱۳۶۴ش: ص ۱۱۵. بلاذری، ۱۹۵۹م: ج ۳، ص ۱۸۷. طبری، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۲۱. ابن نما، ۱۳۶۹ق: ص ۳۹). آیت الله خوئی گزارش مذکور را مورد نقد قرار داده است.

لازم به ذکر است وی در جای دیگر از کتاب خود نام یزید بن حصین را در شمار اصحاب امام حسین و شهدای کربلا ضبط کرده و او را «سید القراء» نامیده‌اند(خوئی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۱۹۳ و ج ۲۱، ص ۱۱۸). اما این مدعای آیت الله خوئی قابل تامل است، زیرا در منابع کهن برید به عنوان سید القراء ذکر شده است و نامی از یزید بن حصین به میان نیامده است (ر.ک: أبومخنف، ۱۳۶۴ش: ص ۱۲۸ و ۱۲۹. ابومخنف، ۱۳۶۷ش: ص ۲۲۱ و ۲۲۲. طبری، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۲۸ و ۳۲۹. ابن اثیر، ۱۳۸۶ش: ج ۴، ص ۶۶ و ۶۷).

نکته قابل تامل آنکه آیت الله خوئی براساس مبنای خود گزارش کشی را معتبر نمی داند، از سوی دیگر تنها در این گزارش یزیدبن حصین به عنوان سیدالقراء ضبط شده است، حال آنکه طبق مبنای ایشان گزارش کشی ضعیف است، از سوی دیگر در منابع کهن برید به عنوان سیدالقراء در منابع کهن نامش ضبط شده است.

۲- توجه به زبان گزارش

رجوع به زبان اصلی در انجام یک پژوهش امری بدیهی و لازم است. یکی دیگر از مهم‌ترین ملاک‌ها در اعتبارسنجی گزارش‌های تاریخی، ضرورت استفاده و مراجعه به زبان اصلی است. در گزارش‌های عاشورایی، مراجعه به کتب و منابع اصلی عربی بسیار ضروری است. چرا که ساختار زبان عربی از حیث استفاده از ضمایر، افعال، مخاطب و غایب در نوع برداشت از یک متن نقش کلیدی را بر عهده دارد و نوع استفاده از ضمایر و عدم توجه به این امر بدیهی و معیار مهم، منجر شده که در مورد یکی از شهدای کربلا اشتباه و خطای واضحی رخ داده است.

شیخ طوسی درباره یکی از شهدای کربلا گزارش کرده است: «سلیمان مولی الحسین قتل معه: سلیمان مولای حسین (ع) با او به شهادت رسید» (طوسی، ۱۴۱۵ق: ص۱۰۱). در کتاب رجال علامه حلی مطلبی در این مورد یافت نشد؛ لیکن ابن داود به نقل از رجال شیخ طوسی نام سلیمان مولی الحسین (ع) را در زمره اصحاب آن حضرت لحاظ کرده و تصریح به شهادت وی کرده است (ابن داود، ۱۳۹۲ق: ص۱۰۶). پس از آن تفرشی بیان دارد: «شیخ طوسی نام سلیمان مولی حسین (ع) را در شمار شهدای کربلا ضبط کرده است» (نقد الرجال، ج۲، ص۳۷۰).

مامقانی در تنقیح المقال تصریح کرده است: نام مادرش کبشه بود. وی کنیز امام حسین (علیه‌السلام) بود که آن را به هزار درهم خرید و در خانه‌ای‌ام اسحاق، همسر امام حسین (علیه‌السلام) خدمت می‌کرد. کبشه با ابورزین ازدواج کرد و سلیمان به دنیا آمد. گویا عبارت شیخ طوسی و ابن داود در مورد سلیمان که «قتل معه: با حسین کشته شد» این است که او در کربلا شهید شد. لیکن گزارش صریح شماری از اهل سیره این است که امام حسین (علیه‌السلام) نامه‌ای به اشراف بصره نوشت و آن را توسط سلیمان نزد آنها فرستاد. هویت سلیمان در بصره توسط منذر فاش و به دستور عبیدالله بن زیاد و به دست سلیمان بن عوف حضرمی گردنش زده شد. گویا منظور شیخ طوسی از این تعبیر: «قتل معه: با حسین کشته شد»، این است که قتل سلیمان در راه امام بود. از سوی دیگر عبارت زیارت ناحیهٔ مقدسه که بر وی سلام داده نیز بر شهادت وی در کربلا دلالت نمی‌کند و شرف و سعادت مقتول در راه رسالت، همانند شرف و سعادت مقتول در کربلا است (مامقانی، ۱۴۲۳ق: ج۳، ص۲۸۱-۲۸۴).

یکی دیگر از رجال‌شناسان معاصر آیت الله خویی ذیل «سلیمان مولی الحسین تصریح دارد: شرح‌حال وی ذیل سلیم مولی الحسین گذشت و در زیارت ناحیه این‌گونه سلام فرستاده شده است: السلام علی سلیمان مولی الحسین ابن امیرالمؤمنین و لعن الله قاتله سلیمان بن عوف الحضرمی» (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج۹، ص۲۰۶). آیت الله خویی ذیل سلیم این‌گونه بیان کرده است: «سلیم (سلمان) مولی الحسین از اصحاب امام حسین (علیه‌السلام) است که با او کشته شد و این مطلب در رجال شیخ طوسی بیان شده است» (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج۹، ص۲۴۱).

نمازی نگارنده مستدرکات علم رجال گزارش کردند: «سلیمان مولی الحسین و گفته شده سلیمان مولی الحسن در کربلا به شهادت رسید و در زیارت ناحیه به او سلام فرستاده شده است» (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج۹، ص۲۴۱). سپس ذیل کنیه «ابورزین» تصریح دارد: «ابورزین، نامش سلیمان مولی الحسین است. وی پیک امام حسین (علیه‌السلام) به‌سوی مردم بصره برای دعوت به نصرت و یاری امام حسین (علیه‌السلام) بود» (نمازی، ۱۴۱۵ق: ج۸، ص۳۸۴).

شایان‌ذکر است برخی نام پیک امام به بصره را سلمان ضبط کردند (دینوری، ۱۹۶۰م: ص ۲۳۱). ابن اعثم گزارش کرد: ابن زیاد در بصره سلیمان مولای حسین را دستگیر و به شهادت رساند (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق: ج ۵، ص ۳۷). خوارزمی نام پیک امام را سلیمان ضبط کرده، بدون آنکه بیان کند وی مولای چه کسی بوده است (خوارزمی، ۱۴۱۸ق: ج ۱، ص ۲۸۸). ابن کثیر هم‌نام پیک امام به بصره را سلمان مولای حسین ضبط کرده است (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۸، ص ۱۷۰). اما همان‌گونه که بیان می‌شود این گزارش مورخان نیز مخدوش و غیرقابل‌اعتماد است که در ادامه بیان می‌شود.

همان‌گونه که نظاره شد رجال‌شناسان متأخر همچون ابن داود و تفرشی همان گزارش شیخ طوسی مبنی بر شهادت سلیمان مولی الحسین را بدون کم‌وکاست نقل کردند. لیکن رجال‌شناسان معاصر مطالب و گزارش‌های بسیاری را به نقل شیخ طوسی اضافه کرده و مطالبی سقیم و صحیح را منعکس کردند. نگارنده

مستدرکات رجال کنیه وی را ابورزین و مولای حسین معرفی نموده و معتقد است: این شخص نامه امام حسین را برای بصریان برد. آیت الله خویی سلیمان را همان سلیم (سلمان) معرفی کرده و مامقانی نیز برای توجیه عبارت شیخ طوسی «قتل معه» را به معنای «شهادت در راه امام دانسته است» لذا منظورش شهادت در کربلا نیست.

اما وقتی به منابع کهن تاریخی با زبان‌اصلی مراجعه می‌شود به دست می‌آید در کربلا دو شخصیت به نام سلیمان مولی حسین و سلیمان مولی بصریان به شهادت رسیدند. سلیمان مولی الحسین در کربلا به دست سلیمان بن عوف حضرمی به شهادت رسید؛ (إبن سعد، ۱۴۱۵ق: ص ۷۷. طبری، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۵۹. ابن اثیر، ۱۳۸۶ش: ج ۴، ص ۹۳. المرشد بالله، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۷۲. ابن احمد، ۱۴۰۵ق: ص ۱۲۱. شهید اول، ۱۴۱۰ق: ص ۴۹۱. ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ج، ۳ ص ۷۶) لیکن سلیمان مولای بصریان راهی بصره شد و پیک امام به‌سوی بصره بود و نامهٔ امام حسین (علیه‌السلام) را برای اشراف و بزرگان بصره برد و در آنجا به دستور ابن زیاد شهید شد سلیمان مولای بصریان بود (ابومخنف، ۱۳۶۷ش: ص ۱۰۳. أبومخنف، ۱۳۶۴ش: ص ۲۴ و ۲۵. طبری، بی‌تا: ج ۴، ص ۲۶۵) لذا وی شخصی غیر از سلیمان مولای حسین است. حال علت اینکه برخی رجال‌شناسان این دو را یکی فرض کرده و درصدد توجیه عبارت «قتل معه» با شهادت سلیمان در بصره برآمده‌اند، به‌خاطر آن است که توجهی به دو زبان اصلی و لفظ «مولی له» و «مولی لهم» نکرده اند و همین عدم توجه به زبان اصلی، منجر به یکی پنداشتن سلیمان مولی امام حسین (علیه‌السلام) که در کربلا شهید شد با سلیمان مولی بصریان شهید بصره، شده است. حال ممکن است است اشکال شود: معمولا مراد از زبان اصلی، زبان در عصر تولید آن متن است، واژه ها در عصر امام حسین در سال ٦١ معانی امروزی را ندارد. بستر تولید کلمات و واژ ها مراد است. در پاسخ به این مورد می توان گفت: هر چند ممکن است در بستر تاریخی، معنای برخی کلمات تفاوت پیدا کرده باشند، اما اولا این مدعا نیازمند اثبات و ارائه شواهد است، بنابراین معیار در معنای کلمات زبان اصلی، همان برداشت مشهور امروزی است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. ثانیا. این اشکال با ارائه شواهد قابل قبول است، اما ضمیر جمع و فرد، تغییری نکرده و در طول تاریخ ضمائر جمع همیشه جمع، و ضمائر فرد همیشه فرد هستند، همانند موردی که بررسی شد، «مولی له» و «مولی لهم».

۳- اعتماد نکردن مطلق به گزارش ها

دیگر ملاک مهم اعتبارسنجی گزارش‌های عاشورایی در منابع رجالی، ضرورت و لزوم تحقیق در مورد مدعیات رجال‌شناسان است و اینکه به گزارش‌های تاریخی اعتماد تام و تمام نشود، چرا که ممکن است به‌واسطه سهو قلم یا به هر دلیلی رجال‌شناس مطلبی را منعکس کنند که در واقع خلاف آن در منابع تاریخی منعکس شده باشد. در این باره می‌توان به گزارش شیخ طوسی و انعکاس آن در سایر منابع رجالی اشاره کرد.

شیخ طوسی ذیل نام اصحاب نام امام حسین (علیه‌السلام) نگاشته است: «عامر بن مسلم مجهول است» (طوسی، ۱۴۰۴:ص۱۰۳). سپس همین گزارش توسط علامه حلی و بدون استناد آن به شیخ طوسی نقل شده

است (حلی، ص ۳۷۹). سپس شماری از رجال‌شناسان دیگر همچون ابن داود، تفرشی، اردبیلی، بروجردی، در رجال خود همین گزارش شیخ طوسی را با استناد به رجال شیخ طوسی بیان کرده‌اند (ابن داود، ۱۳۹۲ق: ص ۲۵۲ و تفرشی، ۱۴۱۸ق: ج ۳، ص ۱۳ و اردبیلی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۲۸ و بروجردی، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۶۹).

در این میان آیت الله خوئی ضمن استناد به رجال شیخ طوسی مبنی بر مجهول بودن عامر بن مسلم، با استناد به مناقب ابن شهرآشوب، زیارت رجبیه و زیارت ناحیه نام وی را در شمار شهدای کربلا ضبط کرده است (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۰، ص ۲۱۹)؛ لیکن هیچ یک از این دو گزارش را بر دیگری ترجیح نداده و صرفاً به نقل این دو گزارش بسنده کرده‌اند، حال‌آنکه فلسفه تدوین علم رجال شناخت وثاقت و ضعف راویان و اصحاب است و صرف تجمیع گزارش‌های متعارض، بدون ترجیح و نقد و بررسی وجهی ندارد.

همان‌گونه که بررسی شد در میان رجال‌شناسان همان گزارش شیخ طوسی مبنی بر مجهول بودن مسلم بن عامر، بدون جرح‌وتعدیل منعکس شده است لیکن باید توجه داشت در منابع کهن و بر خلاف مدعای شیخ طوسی و سایر رجال‌شناسان، برخی چون کلبی (۲۰۴)، ابن حزم (۴۵۶ق) و شماری دیگر از مورخان و منابع تصریح به شهادت عامر بن مسلم در کربلا کرده‌اند(کلبی، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۱۱۳. ابن حزم، ۱۴۰۳ق: ص ۲۹۳ و ابن شهرآشوب، بی‌تا: ج ۴، ص ۱۱۳ و ابن اثیر، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۵۹ و المرشد بالله، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۱۷۲.). بنابراین برداشت شیخ طوسی و انعکاس آن در برخی منابع رجالی بعدی قابل‌تأمل است و این گویای آن است که نمی‌توان به شماری از برداشت‌های رجال‌شناسان اعتماد تام کرد و آن را نص خاص دانست چرا که امکان سهو قلم یا اشتباه وجود دارد؛ لذا اهمیت‌دادن به یکی از معیارهای مهم در ارزیابی و اعتبارسنجی گزارش‌ها عدم اعتماد تام به یک گزارش امری مهم است.

نکته ای که باید بدان توجه داشت اینکه از آنجا که بسیاری از منابع رجالی از قرن چهار به بعد تدوین شده و منبع و مستند منقولات رجالی همان منابع تاریخی- روائی متقدم هستند، بنابراین می توان با بررسی و ارزیابی و با توجه به اصول و قواعد پژوهشی در تاریخ گزارش های صحیح را از گزارش های سقیم دریافت.

۴- شناخت منبع مورد استناد رجال‌شناس

یکی از معیارهای مهم در اعتبارسنجی اخبار عاشورایی، شناخت مستنداتی است که رجال‌شناسان با تمسک به آن اخبار و گزارش‌های عاشورایی را نقل کرده‌اند. باتوجه‌به بررسی صورت‌گرفته رجال‌شناسان متقدم همانند نجاشی و شیخ طوسی در کتب رجالی خود هیچ‌گاه به بیان مستند گزارش‌هایی خود نپرداخته‌اند و صرفاً گزارش را نقل کرده‌اند، ازاین‌روی نمی‌توان به ارزیابی منبع مورد استناد این رجال‌شناس پرداخت و در این صورت باتوجه‌به سایر گزارش‌های منابع دیگر می‌توان گزارش نقل شده را ارزیابی کرد. در منابع رجال‌شناسان متأخر همچون رجال علامه حلی، رجال ابن داود و رجال تفرشی منابع و مستندات گزارش‌های خود را که بیشتر برگرفته از همان منابع رجالی متقدم است را بیان کرده‌اند. در منابع رجالی متأخر گزارش‌های چندانی جز بسنده کردن به همان نام اصحاب نقل نشده است؛ لیکن در منابع رجالی معاصر همچون معجم رجال

الحدیث، مستدرکات علم رجال و تنقیح المقال، گزارش‌های بسیار زیادی همراه ذکر منابع نقل شده است. رجال‌شناسان معاصر با تمسک به شماری از منابع قرن هفتم همچون زیارت رجبیه و زیارت ناحیه اسامی زیادی را در شمار اصحاب امام و شهدای کربلا ضبط کردند. نکته قابل‌تأمل آن است که رجال‌شناسان معاصر با تمسک به برخی کتب هم عصر خود همچون عطیه الذره و ناسخ‌التواریخ گزارش‌های خود را بیان کرده‌اند.

بدون شک شناخت مستندات رجال‌شناسان در اعتبارسنجی گزارش‌ها بسیار مؤثر است و بیان مستندات در منابع رجالی متأخر و معاصر در اعتبارسنجی‌ها بسیار مؤثر است. از باب نمونه وقتی مشخص شد بسیاری از گزارش‌ها ریشه در زیارت رجبیه دارد که فاقد سند بوده و تاریخ انشای آن به قرن هفتم بازمی‌گردد، (ر.ک: رضائی، ۱۳۸۸ش، ص۳۷-۵۸) از سوی دیگر رجال‌شناسان نیز تصریح به ضعیف بودن سند آن کرده‌اند، (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج ۹، ص ۷۷) پژوهشگر در مواردی که با استناد به این زیارت مدعیاتی مطرح شده، می تواند با تکیه بر دیدگاه و مبنای رجال شناس در مورد این زیارت بر صحت یا سقم آن تاکید کند.

مورد دیگر آنکه مؤلف مستدرکات علم رجال بارها با تمسک به کتاب «عطیه الذره»(کتاب عطیه الذره کتابی است که قبل از تنقیح المقال نگاشته شده و بسیار مورد استفاده مامقانی قرار گرفته است)، درصدد استخراج گزارش‌های عاشورایی برآمده است (نمازی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۷۱ و ۵۳۳، و ۶۰۱، ج ۲، ص ۵۱، ۲۸۱ و ۲۹۳. و ج ۴، ص ۱۰۵، ۱۹۹، ج ۵، ص ۲۲. ج ۸، ص ۳۵۷). یا در مواردی با استناد به ناسخ‌التواریخ(کتاب ناسخ التواریخ توسط سپهر در دوران قاجار نوشته شده است)، گزارش‌هایی را بیان کرده است (همان: ج ۱، ص ۱۳۸، ۷۰۴ و ۷۰۵، ج ۲، ص ۱۳ و ۱۰۳، ج ۳، ص ۳۳۵، ۳۴۳ و ۴۵۵، ج ۵، ص ۴۵۲ و...). این در حالی است که نه کتاب عطیه الذره به‌خاطر معاصر بودن گزارش‌هایش معتبر است و نه کتاب ناسخ‌التواریخ که از دوران قاجار به‌یادگارمانده، زیرا هر دو کتاب گزارش‌هایی را نقل کرده‌اند که با گزارش کتب کهن یا همخوانی ندارد یا اصلاً در منابع متقدم این قبیل گزارش‌ها نیست (ر. ک: صحتی سردرودی، ۱۳۸۳ش. و بصیری، ۱۳۹۷ش. و کیانفر و دیگران، ۱۳۸۹ش).

۵- ریشه‌یابی و اهتمام به یافتن نخستین منبع خبر

یکی از مهم‌ترین ملاک‌های برای اعتبارسنجی اخبار تاریخی خصوصاً در اخبار عاشورایی ریشه‌یابی یک گزارش است و در پرتو این می‌توان صحت‌وسقم گزارش را باتوجه‌به سایر اصول و قواعد پژوهشی به دست آورد. این ملاک در برخی از گزارش‌های منقول در منابع رجالی رعایت شده است. مستدرکات علم رجال بیان کرد: کسی [از رجال‌شناسان] نام ابراهیم بن حصین اسدی را ضبط نکرده است، حال‌آنکه وی از شهدای کربلا است که روز عاشورا جنگی سخت کرد تا اینکه ۵۰ یا ۸۴ تن از دشمن را کشت، سپس به شهادت رسید. او از کسانی است که عصر عاشورا امام حسین هنگام استغاثه نامش را این‌گونه بر زبان آورد «یا أسد الکلبی یا

إبراهیم بن الحصین...». این مطلبی است که ابومخنف در مقتل خود بیان کرده است. (نمازی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۱۴۰).

از منظر مستدرکات علم رجال ابراهیم بن حصین از شهدای کربلا است که در مقتل ابی مخنف ذکر شده است؛ هر چند مقتل ابی مخنف اولین منبع در ذکر گزارش‌های فوق است، (ابی‌مخنف، ۱۳۶۴ش: ص ۵۲. ر. ک: ناشناس: ۱۳۶۲ش، ص ۱۰۹) لیکن باید توجه داشت کتاب منسوب به ابی مخنف به‌خاطر اشکالات و ایرادات فراوانی که دارد قابل‌استناد نیست و نمی‌توان آن را به ابومخنف نسبت داد، همان‌گونه که شیخ عباس قمی نیز به این مطلب تصریح کرده است (قمی، ۱۴۰۵ق: ص ۱۹۵).

یکی دیگر از مستندات مستدرکات علم رجال برای اثبات شهادت ابراهیم بن حصین همان استغاثه معروف امام حسین (علیه‌السلام) در عصر عاشورا بود، در این استغاثه اسامی افرادی ذکر شده که در تاریخ وجود ندارد، از جمله آنکه به نقل از امام حسین (علیه‌السلام) در این استغاثه نام هلال بن نافع به‌عنوان شهید کربلا ذکر شده است، این در حالی است که ابن نما و ابن طاووس به نقل از هلال بن نافع گزارش کرد: من در لشکر ابن سعد بود. شخصی صدا زد: ای امیر! بشارت بده که حسین کشته شد. من به وسط دو لشکر آمدم و دیدم که حسین (ع) در حال جان‌دادن است. به خدا قسم، هرگز زیباتر از او را ندیده بودم. چنان محو نور و زیبایی او شدم که فرصت فکرکردن برای کشتن وی به ذهنم خطور نکرد (ابن نما، ۱۳۶۹ق: ص ۵۷. ابن طاووس، ۱۴۲۵ق: ص ۱۷۷. ر. ک: حر عاملی، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۶۱۰. مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۵، ص ۵۷). بر اساس این گزارش هلال بن نافع که از دشمنان امام بود نامش در همان استغاثه ذکر شده است.

مطلب دیگر آنکه مستدرکات علم رجال بیان کرد: ابراهیم حصین روز عاشورا ۸۴ تن از لشکر ابن سعد را به قتل رساند (نمازی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۱۴۰) و منبع این مطلب نقل ابن شهرآشوب است، (ابن شهرآشوب، بی‌تا: ج ۴، ص ۱۰۵) لیکن شماری از گزارش‌های مناقب مخدوش و قابل‌استناد نیست، همان‌گونه که محقق شوشتری بیان کردند: «مطالب اشتباه توسط ابن شهرآشوب در مناقب زیاد نقل شده است» (تستری، ۱۴۲۸ق: ج ۱، ص ۱۷۲ و ج ۱، ص ۶۵۴ و ج ۳، ص ۶۶). علاوه بر این در منابع معتبر تمام کشته‌شدگان از لشکر ابن سعد ۸۸ تن ذکر شدند (بلاذری، ۱۹۵۹م: ج ۳، ص ۴۱۱. طبری، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۴۸. نعمان مغربی، بی تا: ج ۳، ص ۱۵۵. مسعودی، ۱۴۰۴ق: ج ۳، (۳ ـ ۴)، ص ۶۳. ابن شهرآشوب، بی‌تا: ج ۴، ص ۱۱۲. ابن اثیر، ۱۳۸۶ش: ج ۴، ص ۸۰. ذهبی، ۱۴۱۳ق: ج ۳، ص ۳۰۳) حال آن که قبول این مطلب غیرقابل‌تصور است که چگونه ابراهیم حصین به‌تنهایی ۸۴ تن را کشته باشد و بیش از ۷۱ تن از اصحاب امام حسین (علیه‌السلام) فقط توانسته‌اند ۴ تن از لشکر عمر سعد را کشته باشند! باتوجه‌به آنچه بیان گشت یکی از مهم‌ترین معیارهای اعتبارسنجی افزون بر مراجعه به منبع اولیه، باید با سایر گزارش‌ها نیز همسان‌سازی، سپس ارزیابی شود.

۶- ضرورت توجه به سایر گزارش‌ها

دیگر ملاک ارزیابی گزارش‌ها، تکیه‌نکردن به یک گزارش و ضرورت توجه به سایر گزارش‌ها و در نهایت جرح‌وتعدیل گزارش‌های متعارض است. در برخی منابع رجال‌شناسان معاصر همچون مستدرکات علم رجال الحدیث بیان شده است: «جبله بن عبدالله، سایر رجال‌شناسان نام وی را ذکر نکرده‌اند، حال‌آنکه وی از شهدای کربلا است که در زیارت رجبیه به سلام شده است» (نمازی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۱۱۶.). آیت الله خوئی نیز با تمسک به سلامی که در زیارت رجبیه به این شخص داده شده، نامش را در شمار شهدای کربلا ضبط کرده است (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج ۴، ص ۳۵۴). هر چند نام این فرد در تنقیح المقال به‌عنوان شهید کربلا مطرح نشده است، اما در نسخه چاپی از تنقیح المقال نام این شخص به‌عنوان یار امام و شهید کربلا ضبط شده است (مامقانی، ۱۴۲۳ق: ج ۴، ص ۲۳۳).

این در حالی است که تنها منبعی که نام این شخص را در شمار شهدای کربلا ضبط کرده است، همان زیارت رجبیه است. شایان‌ذکر است که این سلام در زیارت رجبیه قابل‌تأمل است، زیرا در سایر منابع کهن و متقدم در مورد جبله بن عبدالله تصریح شده است: این شخص در سال ۶۵ قمری برای سرکوب توابین از طرف حصین بن نمیر، عهده‌دار فرماندهی جناح راست لشکر دشمن شد و تحت فرماندهی إبن زیاد، در منطقهٔ عین الورده با نیروهای توابین به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی وارد جنگ شد. (ر. ک: أبومخنف، ۱۳۶۴ش، ص ۳۰۰. طبری، بی‌تا: ج ۴، ص ۴۶۴. ابن اعثم، ۱۴۱۱ق: ج ۶، ص ۲۲۲. ابن اثیر، ۱۳۸۶ش: ج ۴، ص ۱۸۲. نویری، بی‌تا: ج ۲۰، ص ۵۳۷).

این گزارش که توسط بزرگانی از مورخان نقل شده است، مهم‌ترین گزارش در رد مدعای برخی رجال‌شناسان معاصر است که با تمسک به یک زیارت از قرن هفتم، قائل به شهادت جبله بن عبدالله شده‌اند. لازم به ذکر است اگر زیارت رجبیه در قرن هفتم، تنها توسط ابن طاووس نقل شده باشد، در مقابل این گزارش، نقل دیگری است که از قرن دوم تا هفتم توسط افرادی چون ابومخنف، طبری، ابن اعثم و ابن اثیر نقل کردند که این شخص بعد از کربلا زنده بود و در سال ۶۵ هجری به جنگ با سلیمان بن صرد و توابین رفت. حال کدام گزارش را و بر اساس چه معیاری باید پذیرفت؟ روشن است که گزارش دوم به علت تقدم زمانی، تعدد منابع و ذکر آن توسط شماری از مورخان شیعه و اهل‌سنت دارای اعتبار و ارجحیت است بر گزارشی که تنها در قرن هفتم توسط ابن طاووس در یک زیارت که فاقد سند می‌باشد نقل شده است.

۷- توجه به تعارضات و بیان مرجحات

دیگر معیار در اعتبارسنجی گزارش‌های عاشورایی، توجه و شناخت تعارضات، سپس تعیین گزارش صحیح با در نظر گرفتن مرجحات است. در شماری از منابع رجالی متأخر و معاصر، تنها به جمع‌آوری گزارش‌های متعارض بسنده شده، بدون آنکه به مرجحات یک گزارش توجه شود. این شیوه در معجم الرجال، تنقیح المقال و مستدرکات علم رجال یافت می‌شود که از باب نمونه موردی آورده شده است.

معجم رجال الحدیث ذیل نام عقبۀ بن سمعان تصریح کرد: «وی از اصحاب امام حسین است که در رجال شیخ طوسی این مطلب بیان شده است. عقبه مقابل امام حسین به شهادت رسید و در زیارت رجبیه به وی سلام فرستاده شده است، لیکن برخی از مورخان عامه گزارش کردند: روز عاشورا عقبه فرار کرد و نجات یافت» (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج ۱۲، ص ۱۷۰). در گزارش نقل شده نکاتی قابل‌تأمل است، نکته اول: مؤلف مستند مطالبی که نقل کرده را بیان نموده، به‌جز مطلبی که بدون نقل منبع به اهل‌سنت نسبت دادند.

نکته دوم: معجم رجال الحدیث در اینجا دو گزارش متضاد را ذکر کرده است، یکی مبنی بر شهادت عقبه که در زیارت رجبیه نقل شده و دیگری فرار از میدان و به شهادت نرسیدن که به اهل‌سنت نسبت داده شده است. حال‌آنکه چون این مطلب در کتاب رجالی ذکر شده، نباید صرفاً به تجمیع گزارش‌ها بسنده می‌شد، بلکه باید یا تنها گزارش مختار ذکر شود یا اگر دو گزارش متضاد بیان شد، باتوجه‌به مرجحات باید یک گزارش انتخاب شود حال‌آنکه مشاهده می‌گردد که در مورد مذکور و موارد یافت شده دیگر در کتب رجالی این شیوه اعمال نشده است.

معجم رجال الحدیث با تمسک به زیارتی که سند آن را ضعیف می‌داند، (خوئی، ۱۴۱۳ق: ج ۹، ص ۷۷) قائل به شهادت وی شده است، حال‌آنکه این زیارت از جهت سند و محتوا قابلیت استناد را ندارد. (ر.ک: رضائی، ۱۳۸۸ش، ص۳۷- ۵۸). از طرف دیگر اینکه گزارش کرده است: «مورخان عامه بیان کردند وی از میدان فرار کرد» گزارشی نادرست و فاقد منبع قابل‌استناد بوده و نادرست است. در منابع کهن شیعه و اهل‌سنت این‌گونه گزارش شده: «عمر بن سعد، عقبه بن سمعان را دستگیر کرد؛ او غلام رباب دختر امری القیس کلبی و مادر سکینه دختر حسین بود. إبن سعد به عقبه گفت: تو کیستی؟ جواب داد: من غلام مملوک هستم؛ پس إبن سعد او را رها کرد که برود» (ابومخنف، ۱۳۶۷ش: ص ۲۵۷. أبومخنف، ۱۳۶۴ش: ص ۲۰۲. طبری، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۴۷. بلاذری، ۱۹۵۹م: ج ۳، ص ۲۰۵. ابن اثیر، ۱۳۸۶ش: ج ۴، ص ۸۰.).

حال در ارزیابی و اعتبارسنجی این دو گزارش، «شهادت با استناد به زیارت رجبیه» که دارای سند ضعیف و در قرن هفتم انشا شده و «گزارش دستگیری روز عاشورا و آزادشدن به‌خاطر غلام بودن» و ترجیح یک گزارش بر گزارش دیگر باید گفت: گزارشی که دال بر شهادت عقبه است، ازآنجاکه در قرن هفتم انشا شده و سند آن ضعیف است و توان مقابله با گزارش مورخان متقدم از شیعه و اهل‌سنت را ندارد که عقبه زنده مانده است. از جمله مرجحات برای انتخاب این گزارش تقدم، تعدد و انعکاس این گزارش در منابع متقدم شیعه و اهل‌سنت است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مواردی که مورد بررسی قرار گرفت، برای اعتبارسنجی گزارش‌های منقول تاریخی و رجالی باید معیارها و ملاک ها را استخراج، سپس بر اساس همان معیارها به اعتبارسنجی گزارش‌ها پرداخت. عدم توجه

به ملاک‌های باعث می‌شود برخی گزارش‌هایی تلقی به قبول شود؛ حال‌آنکه در منابع رجالی متأخر، خصوصاً منابع رجالی معاصر مواردی نقل شده که نیازمند بررسی و ارزیابی دقیق و مجدد آنهاست. مواردی در این مقاله به صورت نمونه بررسی شد و منحصر به این موارد نیست. در نظر گرفتن این ملاک‌های در منابع رجالی بسیار مهم است، زیرا رسالت اصلی علم رجال جرح و تعدیل روایت‌کنندگان و روایات و مشخص‌کردن هویت اشخاص از حیث اعتبار و ضعیف بودن است و از آنجا که ثمره این ارزیابی در استنباط احکام و تحلیل‌های تاریخی مورد بررسی می‌شود، بنابراین تمام ملاک‌هایی که برای اعتبارسنجی نیاز است استخراج و بر اساس آنها گزارش‌های عاشورایی در منابع رجالی صحت سنجی شود. برای این صحت سنجی افزون بر متون مورداستفاده رجال‌شناسان، باید شخصیت و مبانی رجال‌شناس نیز مورد بررسی قرار گیرد و تنها در صورت بررسی این قبیل موارد می‌توان ملاک‌های مهم ارزیابی گزارش‌ها را استخراج کرد.

نکته بسیار مهم که در پایان لازم به ذکر است آنکه، این معیارهایی که شمرده شد اختصاص به منابع رجالی ندارد و در سایر منابع دیگر نیز ممکن است قابل استفاده باشد، اما در این پژوهش بررسی و مطالعه موردی مد نظر بود تا به صورت ملموس، پی آمدهای عدم توجه به این موارد توجه قرار گیرد.

منابع

۱. ابن اثیر، علی، ۱۳۸۶ق، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر.
۲. ابن اثیر، علی، بی‌تا، *اللباب فی تهذیب الانساب*، بیروت، دار صادر.
۳. ابن احمد، حمید، *الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیة*، دمشق، دارالاسامة، الطبعة الثّانیة، ۱۴۰۵ق.
۴. ابن اعثم، احمد، ۱۴۱۱ق، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالاضواء.
۵. ابن حزم، علی بن احمد، ۱۴۰۳ق، *جمهرة انساب العرب*، تحقیق لجنة من العلماء، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۶. ابن داود حلی، حسن، ۱۳۹۲ق، *رجال ابن داود*، تحقیق محمد صادق آل بحرالعلوم، نجف، الحیدریة.
۷. إبن سعد، محمد، ۱۴۱۵ق، *ترجمة الإمام الحسین و مقتله من القسم غیر المطبوع من کتاب الطبقات الکبیر*، تحقیق، عبدالعزیز الطباطبائی، قم، موسة آل البیت.
۸. ابن شهرآشوب، محمد، بی‌تا، *مناقب آل ابی طالب*؛ قم: انتشارات علامة.
۹. ابن طاووس، علی، ۱۴۱۶ق، *الاقبال بالأعمال الحسنة*، تحقیق، جواد القیومی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۰. ابن طاووس، علی، ۱۴۲۵ق، *الملهوف فی قتلی الطفوف*، تحقیق فارس تبریزیان «الحسون»، تهران، دارالاسوة، چاپ چهارم.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل، ۱۴۰۸ق، *البدایة و النّهایة*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۲. ابن مکی، محمد، (شهید اوّل)، ۱۴۱۰ق، *المزار*، تحقیق مدرسة الامام المهدی، قم، مدرسة الامام المهدی.
۱۳. ابن نما حلی، محمد، ۱۳۶۹ق، *مثیرالاحزان*، النجف الاشرف، المطبعة الحیدریة.
۱۴. ابن یوسف، حسن (علامه الحلی)، ۱۴۱۷ق، *خلاصة الأقوال فی معرفة الرّجال*، تحقیق جواد القیومی، بی جا، موسسة نشر الفقاهة.

۱۵. ابو مخنف، لوط، ۱۳۶۷ش، *وقعة الطف*، تحقیق محمد هادی یوسفی، قم، النّشر الاسلامی.
۱۶. ابومخنف، لوط، ۱۳۶۴ش، *مقتل الحسین*، تحقیق حسن غفاری، قم، حسن غفاری، الطبعة الثّانیة.
۱۷. اردبیلی، محمد، بی‌تا، *جامع الرواة*، اردبیل، نشر نجفی.
۱۸. امین، محسن، ۱۴۰۳ق، *اعیان الشّیعة*، حققه و اخرجه حسن الامین، بیروت، دار التعارف.
۱۹. بروجردی، علی اصغر، ۱۴۱۰ق، *طرائف المقال فی معرفة طبقات الرّجال*، تحقیق مهدی روحانی، قم، مکتبة مرعشی نجفی.
۲۰. بصیری، عباس، ۱۳۹۷ش، «بررسی و نقد سیره نگاری سپهر در ناسخ التواریخ»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۳۶، بهار.
۲۱. بلاذری، احمدبن یحیی، ۱۹۵۹م *انساب الاشراف*، تحقیق، محمدحمید الله، مصر، مطابع دار المعارف.
۲۲. تستری، محمد تقی، ۱۴۲۸ق، *قاموس الرجال*، تحقیق موسسة النشر الاسلامی، قم، النشر الاسلامی.
۲۳. تفرشی، مصطفی، ۱۴۱۸ق، *نقد الرجال*، تحقیق موسسة آل البیت، قم، موسسة آل البیت.
۲۴. خوارزمی، الموفق، ۱۴۱۸ق، *مقتل الحسین*، تحقیق محمد السماوی، قم، انوارالهدی.
۲۵. خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۱۳ق، *معجم رجال الحدیث* و تفصیل الرواة، بی جا، بی نا، چاپ پنجم.
۲۶. دینوری، احمدبن داود، ۱۹۶۰م *الأخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم، قاهرة، دار احیاء الکتب العربی.
۲۷. ذهبی، محمد، ۱۴۱۳ق، *سیر اعلام النبلاء*، بیروت، موسسة الرّسالة، چاپ دوم.
۲۸. رضائی، مجید، ۱۳۸۸ش، «پژوهشی در سند و محتوای زیارت رجبیه»، فصلنامه تاریخ، دانشگاه آزاد محلات، شماره پانزدهم،ص۳۷- ۵۸، زمستان.
۲۹. رفعت، محسن، ۱۳۹۴ش، «نقد و بررسی روایات عاشورایی مقاتل امام حسین»، رساله دکتری، دانشگاه قم، بهار.
۳۰. سپهر، محمدتقی، ۱۳۸۰ش. ناسخ التواریخ، تهران، اساطیر.
۳۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۵ق، رجال طوسی، تحقیق جواد قیومی، قم، النّشر الاسلامی.
۳۲. صحتی سردرودی، ۱۳۸۳ش، محمد، تحریف شناسی تاریخ امام حسین ع با رویکردی کتابشناسانه، فصلنامه کتابهای اسلامی، شماره ۱۸.
۳۳. طبری، محمدبن جریر، بی‌تا، تاریخ طبری، بیروت، موسسة الاعلمی للمطبوعات.
۳۴. قمی، شیخ عباس، ۱۴۰۵ق، نفس المهموم، تحقیق رضا استادی، قم، بصیرتی.
۳۵. کلبی، هشام بن سائب، ۱۴۰۸ق، نسب معد و الیمین الکبیر، تحقیق ناجی حسن، بیروت، علم الکتب.
۳۶. کیانفر و دیگران، ۱۳۸۹ش، نقد و بررسی جلد هشتم ناسخ التواریخ، تهران، انتشارات اساطیر.
۳۷. مامقانی، عبدالله، ۱۳۵۲ق، تنقیح المقال فی علم الرّجال، النجف الاشرف، المطبعة المرتضویة.
۳۸. مامقانی، عبدالله، ۱۴۲۳ق، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق و استدراک، محی الدین المامقانی، قم، موسسة آل البیت لاحیاء التراث.
۳۹. مامقانی، یوسفعلی، ۱۳۶۰ش، عطیة الذرة الی ریس الملة، مقاتل الابرار الامة، تهران، بی نا.
۴۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء.
۴۱. المرشد بالله، یحیی بن حسین، ۱۴۰۳ق، الامالی الخمیسیة (تسمیة من قتل مع الحسین)، بیروت، عالم الکتب، چاپ سوم.

۴۲. مسعودی، علی بن حسین، ۱۴۰۴ق، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم، دار الهجرة، چاپ دوم.
۴۳. مشهدی، محمدبن جعفر، ۱۴۱۹ق، المزار الکبیر، تحقیق جواد قیومی، قم، موسسة النشر الاسلامی.
۴۴. ملا کاظمی، علی، ۱۳۹۳ش، بررسی آسیب شناسی اخبار و روایات عاشورا (تا پایان قرن هفتم هجری)، رساله دکتری، دانشگاه معارف اسلامی.
۴۵. مودب، سیدرضا، ۱۳۹۲ش. گونه شناسی آسیب‌های اخبارعاشورا، دوفصلنامه علمی پژوهشی قرآن و حدیث، پاییز و زمستان ، ص ۲۹-۵۴.
۴۶. ناشناس، مقتل ابی مخنف، چاپ سنگی، به قلم محمد تقی بن خلیل التبریزی، هشتم شوال، ۱۳۳۰ق.
۴۷. ناشناس، مقتل الحسین و مصرع اهل بیته و اصحابه فی کربلا، قم، منشورات الرضی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
۴۸. نعمان مغربی، بی‌تا، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، تحقیق محمد حسینی جلالی، قم، موسسة النشر الاسلامی.
۴۹. نمازی، علی، ۱۴۱۵ق، مستدرکات علم رجال الحدیث، طهران، ابن مولف.
۵۰. نویری، احمد، بی‌تا، نهایة الأرب فی فنون الأدب، قاهرة، وزارة الثقافة و الإرشاد.